



بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز. بحمدالله جلسه‌ی ما امروز در این حسینیه، لبریز از عطر شهادت و یاد مبارک شهیدان عزیز و حضور جانبازان عزیز و خانواده‌های شهدا و خانواده‌های جانبازان است. قدر اینجور مجلسی را، این بنده‌ی حقیر خیلی میدانم. آنجائی که یاد شهادت، یاد شهیدان، ذکر شهیدان، تمجید از عظمت شهیدان وجود دارد، هر انسانی، هر دلی احساس عظمت میکند؛ احساس استغنائی از غیر خدا میکند. امیدوارم که خدای متعال تفضلات خود، رحمت خود، فضل خود را به همه‌ی شما عزیزان نثار و نصیب کند و ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز ما و همچنین امام شهیدان را با اولیائش محشور کند.

این روزها متعلق به امام عسگری (سلام الله علیه) است، که میتواند الگوی همه‌ی مؤمنان، بخصوص جوانان باشد. این امامی که موافقان، شیعیان، مخالفان، غیر معتقدان، همه، شهادت دادند و اعتراف کردند به فضل او، به علم او، به تقوای او، به طهارت او، به عصمت او، به شجاعت او در مقابل دشمنان، به صبر و استقامت او در برابر سختی‌ها، این انسان بزرگ، این شخصیت باشکوه، وقتی به شهادت رسید، فقط بیست و هشت سال داشت. در تاریخ پرافتخار شیعه، این نمونه‌ها را کم نداریم. پدر امام زمان عزیز ما با آن همه فضیلت، با آن همه مقامات، با آن همه کرامات، وقتی با سم و جنایت دشمنان از دنیا رفت، فقط بیست و هشت سال داشت؛ این میشود الگو؛ جوان احساس میکند یک نمونه‌ی عالی در مقابل چشم دارد. آن امام بزرگوار، جوادالائمه (علیه السلام) است که در بیست و پنج سالگی شهید شده است؛ این امام عسگری (علیه الصلاة والسلام) است که در بیست و هشت سالگی به شهادت رسیده است؛ و این همه فضیلت، این همه مکرمت، این همه عظمت، که نه فقط ما به آنها قائلیم و مترتیمیم، بلکه دشمنانشان، مخالفانشان، کسانی که اعتقاد به امامت آنها نداشتند، همه اعتراف کردند.

در زمان ما هم که حقا و انصافاً یک زمان استثنائی بود - این دوره‌ی نظام جمهوری اسلامی تا امروز یک دوران استثنائی در تاریخ ما است، یک قطعه‌ی زرین است - همین شهادتی که شما میشناسید، همین عزیزان خود شما، جوانان خود شما، همه الگو هستند. هر جوانی که با انگیزه‌ای، با یک ایمان مقدس و پاکی حرکت کرد، از خانه‌ی خود، از راحتی خود، از آغوش پدر و مادر خود، از هوای خنک در گرمای تابستان، از محیط گرم و نرم در سرمای زمستان دل کند و رفت در دل آن حوادث خونین، پر اضطراب و پر وحشت، تن خود و جان خود را کف دست گرفت تا در برابر تکلیف و وظیفه فدا کند، او یک الگوست. این یک عظمت مجسم است در مقابل چشم ما.

امثال ما افرادی که پا به سن گذاشته‌ایم و پیرمرد شده‌ایم، لذت ما از دیدن اینها، یک لذت قلبی است؛ اما جوانها



علاوه‌ی بر این احتیاط روحی و قلبی، درس میگیرند، الگو میگیرند. و شهدای ما زنده‌اند؛ همچنان که خدای متعال خبر داده است: «و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا بل احياء عند ربّهم یرزقون»؛ (1) پیش خدای متعالند، زنده هستند، مشرف بر این عالمند، حوادث را می‌بینند، سرنوشتها را می‌بینند، اعمال من و شما را می‌بینند. آن وقتی که پای ما به سنگی بخورد، آن وقتی که نتوانیم خودمان را درست هدایت کنیم، اداره کنیم، زمین بخوریم، آنها نگران میشوند. آن وقتی که میفهمیم، می‌بینیم، محکم قدم برمیداریم، راه را مستقیم حرکت میکنیم، به هدف نزدیک میشویم، آنها خوشحال میشوند. آن وقتی که ملت ایران در یک عرصه‌ای پیروز میشود، آن ارواح طیبه به احتیاط در می‌آیند. آن وقتی که خدای نکرده بر اثر غفلت ما، کوتاهی ما، ملت عقب بماند، مشکل اساسی و عمومی پیدا کند، آنها نگران میشوند. و من به شما عرض کنم؛ در این دورانی که اکنون ما زندگی میکنیم، دشمن در مقابل ما این جبهه‌ی وسیع را به وجود آورده است و پی‌درپی شکست خورده است، حدس انسان این است که شهدای عزیز ما در حال احتیاطند، شادمانند، خرسندند. یک ملت با این هماهنگی، با این شکوه، با وجود این همه سختی در راه، در حرکت، با وجود این همه دشمنی‌های خباثت‌آلود و عنادآمیز، باز وقتی اینجور محکم حرکت میکند، گامها را محکم برمیدارد، به سمت هدف پیش میرود، آنها خوشحال میشوند؛ روح مطهر امام خوشحال میشود، ارواح طیبه‌ی شهدا خوشحال میشوند. نه اینکه بخواهیم صحنه را برخلاف واقع تصویر کنیم؛ عین واقعیت همین است که عرض کردم.

امروز دنیای زر و زور و استکبار و همه‌ی زورگوها، همه‌ی خبیثها، همه‌ی کسانی که دستشان تا مرفق در خون ملت‌هاست، همه‌ی آنها‌ی که به ملت‌هاشان دروغ میگویند، همه‌ی آنها‌ی که برای جیب خودشان حاضرند جیب ملت‌ها را خالی کنند، همه‌ی اینها در مقابل جمهوری اسلامی صف کشیده‌اند و یک جبهه تشکیل داده‌اند. برای اینکه چه کار کنند؟ برای اینکه این ملت را در هم بشکنند؛ برای اینکه ملت ایران را از این راه و از این حرکتی که آغاز کرده و به بیداری عمومی دنیای اسلام منتهی شده - و این تازه اول کار است و ان‌شاءالله آینده‌های روشن‌تری در پیش است - باز بدارند. اگر آمریکا و غرب و صهیونیسم و سرمایه‌داران و مفتخوران یهودی وابسته‌ی به سازمان صهیونیسم بتوانند ملت ایران را قانع کنند، به زانو در بیاورند، به عقب‌نشینی وادار کنند، میتوانند به دنیا بگویند: ببینید، اینها را که ملت پیشرو بودند، ما سر جای خودشان نشانیدیم. هدف این است. همه‌ی تلاشها برای این است. یک روز این را نمیگفتند، کتمان میکردند؛ امروز صریحاً و علناً میگویند. میگویند ما میخواهیم تحریم کنیم - تحریم نفت، تحریم بانک مرکزی، تحریم چه، تحریم چه، تحریم چه - به وسیله‌ی شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه صادر کنیم، پشت سرش قطعنامه‌ی دیگر، پشت سرش قطعنامه‌ی دیگر. که چه اتفاقی بیفتد؟ برای اینکه ملت ایران خسته بشود. عجیب است؛ هرچه گذشته، ملت ایران شادابتر، زنده‌تر، بااستقامت‌تر و مصمم‌تر شده است.

امسال بیست و دوم بهمن شما - این حرکت عظیم مردم در پشتیبانی از نظام - یک سیلی به صورت استکبار بود. آنها آرزوشان این است که بتوانند گروهک‌هایی را بیاورند توی خیابان، علیه نظام. اتفاقی که میخواستند برای ایران رخ بدهد که مردم علیه نظام قیام کنند، برای خودشان رخ داده است! به کشورهای اروپائی نگاه کنید؛ اینها‌ی که می‌آیند توی خیابان، اینها‌ی که مشت گره میکنند، اینها‌ی که شیشه میشکنند، مردم همان نظامها هستند. خوابی که برای شما دیده بودند، برای خودشان تعبیر شده است؛ تیری که به سمت ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران پرتاب کرده بودند، کمانه کرد، برگشت به طرف خودشان. این پیروزی ملت ایران است.



ما امروز در همه‌ی ابعاد، با يك نگاه راهبردی داریم پیش می‌رویم. ممکن است در يك بخشی، در يك گوشه‌ای، يك کوتاهی‌ای وجود داشته باشد، اما حرکت عظیم به طور عموم به طرف جلو بوده است و ملت اجازه نداده است که دشمن از توطئه‌ای که میکند، شاد بشود. همه کار کردند: جوانهای ما را توی خیابانها شهید کردند؛ دانشمندان ما را به وسیله‌ی مزدوران قاتل خودشان، تروریستهای خودشان، به شهادت رساندند؛ کار سیاسی، کار تبلیغاتی، کار اقتصادی، کار امنیتی - جاسوس بفرستند - از این کارها مرتب دارند میکنند؛ خرج هم میکنند چه جور، برای اینکه بتوانند ملت ایران را خسته کنند. شما نگاه کنید ببینید ملت ایران امروز بانشاطتر و شادابتر و عازم‌تر از همیشه است. جوان امروز از جوان ده سال و بیست سال قبل اگر سرحال‌تر و بانشاطتر و پرنگیزه‌تر نباشد، کمتر نیست. این نشانه‌ی حرکت به جلوی ملت ایران و عقب‌نشینی آنهاست.

خدای متعال هم برای این ملت جور آورده. همین انتخاباتها، همین پای صندوق رفتن‌ها، همه‌ی اینها مظهر حضور مردم و مظهر نشان دادن اقتدار مردم است. شاید شش ماه یا بیشتر است که دارند علیه انتخابات روز جمعه تبلیغات میکنند - انواع و اقسام تبلیغات - برای اینکه مردم را دلسرد کنند، برای اینکه پای صندوقها خلوت باشد.

در همه‌ی دنیا، انتخابات پرشور، مظهر زنده بودن و حضور بااراده و عزم راسخ يك ملت در عرصه‌هاست. هر جا انتخابات با شرکت گسترده‌ی مردم باشد، این نشانه‌ی این است که ملت در آن کشور بیدارند، هوشیارند و با نظام خود همراهند. میخواهند این را از دست ملت ایران بگیرند. همه‌ی این صدها و هزارها و - اگر این رسانه‌های تازه پدید آمده‌ی اینترنتی را هم محاسبه کنیم، سر به میلیونها میزند - میلیونها رسانه را به کار انداختند، برای اینکه مردم را دلسرد کنند. گاهی گفتند مردم شرکت نمیکنند، گاهی گفتند تحریم میکنند، گاهی گفتند تقلب میشود، گاهی گفتند چه و چه؛ برای اینکه مردم پای صندوق رأی نیابند، دلسرد بشوند. آنی که من احساس میکنم و از لطف الهی احتمال قوی میدهم که اینجور بشود، این است که ملت ایران در روز جمعه‌ای که می‌آید، يك سیلی سخت‌تر به چهره‌ی استکبار خواهد زد.

دست خدا با شماست. هدایت دلها و جانهای ما به دست خداست. «ازمة الأمر کلا بیده»؛ همه چیز دست خداست. وقتی دل ملت، دل مسئولین، دل دلسوزان با خدا باشد، خدا راه را آسان میکند، تسهیل میکند، راه را باز میکند، توفیق میدهد و ان شاء الله این توفیق نصیب ملت ایران خواهد شد.

حقیقتاً انتخابات، سیلی به چهره‌ی دشمنان این ملت است. آنچه مهم است، این است که مردم حضور پیدا کنند؛ البته این هم مهم است که به نامزدهای صالح رأی بدهند. هر دو مهم است، لیکن حضور در درجه‌ی اول است. هرچه حضور مردم بیشتر باشد، پشتوانه‌ی مجلس شورای اسلامی قوی‌تر باشد، مجلس محکم‌تری، تواناتری، شجاع‌تری تشکیل خواهد شد؛ صدای عموم مردم را میتواند با قدرت تمام به گوش دنیا برساند. این است که این حضور، حضور بسیار بااهمیتی است؛ حضور بسیار باعظمتی است. و من تصورم این است که این دفعه، این نوبت انتخابات،



حساسیتش از دفعات قبل هم شاید بیشتر است ؛ به خاطر اینکه تیرهای موجود در ترکش استکبار علیه شما مردم تمام شده. هرچه میتوانند، ضربه زدند ؛ هرچه داشتند و به عقلشان رسیده، فعالیت کردند ؛ این تیرهای آخر است. باید بایستید ؛ باید به توفیق الهی، به فضل الهی، اراده و عزم خود را به رخ دشمن بکشید تا بفهمد که در مقابل این ملت نمیتواند مقاومت کند. ... ( 2 )

خداوند به شما خیر بدهد. خداوند ان شاءالله برکاتش را بر ملت عزیز ایران، بر شما جوانان عزیز نازل بفرماید. من بار دیگر به همه ی شما خیرمقدم عرض میکنم، مقدم شما را گرامی میدارم ؛ مخصوصاً خانواده های عزیز شهدا، مخصوصاً جانبازان عزیز و خانواده های آنها. امیدوارم ان شاءالله همه ی شما مشمول الطاف الهی بوده باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) آل عمران: 169

(2) تکبیر حصار و شعار آنها: «ای رهبر آزاده، آماده ایم آماده».